

تأثیر اندیشه اسلامی در جایگاه خانوادگی زن ایرانی نسبت به عصر ساسانی

فاطمه هنروان*

سید روح الله پرهیزکاری**

چکیده

از مؤلفه‌های موثر در سبک زندگی اجتماعی، خانوادگی و فردی زنان، مسئله «دین» است. با توجه به تفاوت ادیان در جوامع، جایگاه و نقش زنان متأثر از اندیشه‌های دینی متفاوت گردیده و البته گاه به سبب تفاوت‌هایی که بین زن و مرد وجود دارد، رفتارهای دوسویه و متعارض به صورت افراط و تفریط نسبت به زنان رواداشته‌اند، به شکلی که گاه زن را موجودی شایسته پرستش دانسته و گاه او را تحقیر نموده و از انسانیت خارج دانسته‌اند. بنابراین می‌توان ادعا کرد، یکی از دلایل رفتارهای متفاوت نسبت به زنان، تأثیر تعالیم و اندیشه‌های دینی و اجتماعی بوده است. در ایران عصر ساسانیان، جایگاه اجتماعی زنان متأثر از باورهای دینی زرتشتیان، بسیار متفاوت از وضعیت زنان جامعه ایران، پس از ورود اسلام و متأثر از آموزه‌های اسلامی است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر اندیشه اسلامی در دگرگونی جایگاه اجتماعی زن ایرانی در عرصه خانواده است. این نوشتار به روش توصیفی - تطبیقی با رویکرد دین‌شناختی به بررسی مسئله یادشده در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی

اندیشه اسلامی، آئین زرتشتی، زن ایرانی، ساسانیان، جایگاه خانوادگی.

* دانشجوی دکتری مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. honarvaran.fatima@gmail.com
** استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول). parhizkari@maaref.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۷

طرح مسئله

بی شک دین از عناصر بسیار اثرگذار و با اهمیت در شکل‌گیری فرهنگ و سبک زندگی در یک جامعه است. در یک جامعه دینی، ظهور و تجلی شیوه زیست افراد در قالب آموزه‌های دینی و رنگ تقدس گرفتن آداب و رسوم زندگانی، ضمانت و پشتوانه اجرای قوی و محکمی برای پایبندی و التزام به آن سبک زندگی و پایداری و گسترش آن است. بر اساس شواهد تاریخی، در جامعه ایران عصر ساسانی نیز، که یک جامعه مذهبی و پایبند به احکام دینی بوده، این موضوع کاملاً مشهود است. شکل‌گیری حکومت ساسانی که یک حکومت مبتنی بر باورهای دین زرتشتی و برخوردار از حمایت نهاد دینی و موبدان زرتشتی است، نمونه‌ای از اثرگذاری دین در عرصه سیاسی اجتماع آن دوره است.

با توجه به وجود روحیه دینداری در مردم ایران، پس از ورود اسلام به ایران و آشنایی ایرانیان با دین اسلام، و تفکیک مردم فهیم این سرزمین بین تعالیم اسلامی و عملکرد نادرست و خلاف شریعت برخی حاکمان مسلمان، شاهد اثرپذیری سریع و پرشتاب فرهنگ و سبک زندگی جامعه ایرانی از آموزه‌های اسلامی هستیم. از جمله مسائلی که در جامعه ایرانی متأثر از اندیشه اسلامی دچار دگرگونی و تغییر شد، مسئله جایگاه خانوادگی زن ایرانی بود.

بنابراین، این مسئله در دو دوره تاریخی ایران (عصر ساسانی و ایران اسلامی) از جمله مباحثی است که باتوجه به نقش مؤثر زن در خانواده و اجتماع باید مورد بررسی قرار گیرد. آنچه که در این پژوهش به دنبال پاسخ آن می‌باشیم این است که اندیشه دینی اسلامی چه تأثیری بر جایگاه و نقش زن در خانواده ایرانی در این دو دوره تاریخی داشته است؟ قابل ذکر است با توجه به اکتشافی بودن این پژوهش از بیان فرضیه خودداری شده است. این پژوهش به روش توصیفی - تطبیقی با رویکرد دین‌شناختی به بررسی مسئله یاد شده در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در این دو دوره پرداخته است.

پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که حول مسئله زنان در ابعاد خانواده و یا اجتماع در دو دوره اسلامی و باستانی تاریخ ایران پرداخته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کتاب *وضعیت زن در عصر اسلامی (نیم قرن اول هجری)*، مؤلف: محمدجواد واعظی، ناشر: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، سال چاپ: ۱۳۹۰، قم، این کتاب مروری بر تاریخچه وضعیت زن در ادوار مختلف قبل و بعد از اسلام است. در این نوشتار ابتدا به اوضاع زن در محیط خانه و خانواده در عصر جاهلیت اشاره شده و وضعیت طلاق، ازدواج، شأن و جایگاه زن در آن زمان به تصویر کشیده شده و انواع ظلم‌هایی که

به زن و مقام انسانی وی صورت گرفته بود گزارش گردیده، آنگاه این اوضاع با وضعیت زن در عصر نبوت مقایسه گردیده است. سپس وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زن در عصر جاهلیت با عصر ظهور اسلام مقایسه شده و تکریم مقام زن از جهات مختلف در اسلام و موقعیتی که پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام برای زنان ایجاد کردند تا آنها بتوانند تمامی استعدادها و شئون مختلف انسانی خویش را به نمایش گذارند را بررسی نموده و توجه به حقوق مختلف خانوادگی و اجتماعی زن در نظام حقوقی اسلام را به تصویر کشیده است. در این کتاب روی وضعیت زن مسلمان در جزیره‌العرب متمرکز شده و تمایز پژوهش حاضر با این اثر در توجه به وضعیت زن ایران در دوران قبل و بعد از اسلام است.

۲. کتاب *زن مسلمان، تکالیف و برخورداری‌ها*، مؤلف: بهنام سلیمی، ناشر: احسان، سال چاپ: ۱۳۸۱، در این کتابچه به مسائلی در باب حقوق مادی و معنوی زنان پرداخته شده، سپس مؤلف با استناد به آیات قرآن، احادیث و روایات به آن پاسخ داده است. کتاب با مضامینی از این قبیل تدوین شده است: «تعدد زوجات»، «زن و مسئله ارث»، «زن و مسئله شهادت»، «نقش زن در اداره امور مملکت»، «زن و مسئله قضاوت» و «زن و فعالیت‌های اجتماعی» پرداخته است. در این کتاب نیز صرفاً به برخی شئون فردی و اجتماعی زنان در فرهنگ و اندیشه اسلامی پرداخته است. بنابراین امتیاز پژوهش پیش‌رو، نگاه تطبیقی بین وضعیت زن ایرانی در دو دوره ساسانی و اسلامی خواهد بود.

۳. کتاب *تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا پایان زندگی امویان*، اثر سعید نفیسی، نشر پارسه. این کتاب به طور کلی، تاریخ اجتماعی ایران از ساسانیان تا انقراض امویان را مطرح می‌کند که در این بین گریزهایی به جایگاه زنان و احکام و مسائل حقیقی و حقوقی که در مورد ایشان به اجرا در آورده شده بود، دارد. مطالبی که حول زنان مطرح می‌شود در مورد ازدواج و ارث زنان در عصر ساسانی است. اما در مورد زن در عصر اسلامی، گذرا مطالبی را مطرح می‌کند که بیشتر مربوط به عصر بنی امیه است که زنان را به کنیزی می‌گرفتند، اما مطلب خاصی در مورد جایگاه زن در دوره بنی امیه مطرح نشده است. علاوه بر اینکه بیان مباحث، مبتنی بر عملکرد حکومت امویان است، درحالی‌که در پژوهش حاضر، مبنای بحث، آموزه‌ها و تعالیم اسلامی است.

۴. کتاب *سیمای زن در فرهنگ ایران*، اثر جلال ستاری، نشر مرکز، ۱۳۷۵. نگارنده به مباحثی حول زنان در ایران پارینه‌سنگی و نظام مادرسالاری آن زمان و سپس به دوران‌های بعد اشاره نموده است. نویسنده به‌طور مشخص اعصار ایران را معین نکرده و بیشتر به تفکرات این دوران پرداخته است. بیشترین تأکید ایشان بر نظام زن‌سالار و مردسالار بودن جامعه می‌باشد.

۵. کتاب *ارزش زن در دین‌های آسمانی*، مترجم و نویسنده احمد ایرانی، محل چاپ لس‌آنجلس،

۱۹۹۸. نویسنده این کتابچه مختصر به شکل مغرضانه ای تمام ادیان آسمانی اعم از یهود، مسیحیت و اسلام را زن ستیز و دارای احکامی خلاف فطرت زن می‌داند و علت این امر را مرد بودن آورندگان این ادیان معرفی می‌کند. این زنان در این سه دین آسمانی، هیچ‌گونه جایگاهی نداشته اند و به علت پرستش الهه مادر، در ایران باستان و در ادیان باستانی، زن از جایگاه و مقام و ارزش بالایی برخوردار بوده و نقش پررنگ تری نیز در عرصه های مختلف جامعه و خانواده ایفا می‌کند. نگارنده در این کتاب با رویکردی دین ستیزانه و ملحدانه و روشی غیر علمی، به استناد مطالبی گزینشی و التقاطی از درست و نادرست به اثبات ادعای خود پرداخته است.

۶. مقاله «بررسی زمینه‌های تغییر و تحول در حقوق و جایگاه زنان در آغاز قرن چهاردهم هجری»، **فصلنامه زنان و جامعه**، دانشگاه آزاد واحد مرودشت، شماره ۳۷، ۱۳۹۸، نوشته خانم سهیلا رستمی. ایشان در پژوهش خود به بررسی تحولات جایگاه و حقوق زن در جوامع اسلامی در بازه زمانی قرن ۱۴ ق پرداخته است که در خارج از بازه زمانی پژوهش حاضر است.

۷. مقاله «جایگاه زن در فرهنگ و حقوق ساسانی»، نوشته خانم زهرا الهوتی نظری، **فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء**، شماره ۴۶ و ۴۷، ۱۳۸۲ ش. نویسنده در این مقاله به مباحث حقوقی جایگاه زن در ایران عصر ساسانی پرداخته و به تفکیک قواعد حقوقی آیین زرتشتی حول مسائل زنان و نظام حکومتی ایران عصر ساسانی پرداخته است. در مقاله یاد شده افزون بر آنکه بر روی جایگاه خانوادگی زن متمرکز نشده، به وضعیت زن در فرهنگ اسلامی نیز پرداخته است.

۸. مقاله «وضعیت زنان در نظام اجتماعی ساسانیان در عصر پسامزدکی و تأثیر آن در تألیف ارداویراف‌نامه»، **تاریخ اسلام و ایران**، سال ۳۱، پاییز ۱۴۰۰، شماره ۵۱، (پیاپی ۱۴۱)، نویسندگان محمد بهرامی و شهناز حجتی نجف‌آبادی. در این مقاله تلاش شده است که بر اساس منابع اوستایی و پهلوی و منابع فارسی و عربی در بطن نظام اجتماعی ایران، تولید متن ارداویراف‌نامه را واکنشی اصلاحی از سوی دین‌مردان و صاحبان حکومت در برابر بی‌نظمی‌ها و فساد ناشی از نشر تعالیم مزدکی در جامعه ایران نشان داده شود و معلوم شود که تولید این متن، اقدام اصلاحی و هدفمند در راستای اصلاحات اجتماعی خسرو انوشیروان جهت اعاده و احیای نظم در جامعه، بعد از قیام مزدک بوده است. در این اثر نیز به تحولات جایگاه زن ایرانی قبل و بعد از ترویج تفکر مزدکیان پرداخته است و ارتباطی با فرهنگ و اندیشه اسلامی ندارد.

۹. مقاله «بررسی نموده‌های فرهنگ جاهلی در عرصه زن و خانواده در ایران مقارن ظهور اسلام»، **تاریخ اسلام در آینه پژوهش**، سال پانزدهم بهار و تابستان ۱۳۹۷، ش ۱، (پیاپی ۴۴)، نویسندگان سید حامد نیازی و محمدرضا جباری. در این مقاله موضوع محور، به توصیف جایگاه زن و خانواده در ایران عصر

بعثت پرداخته است و تلاش دارد، نمودهای جاهلیتی که در جزیره العرب وجود داشته و به برخی از آنها در قرآن اشاره شده است را بر جامعه ایران در آن عصر تطبیق دهد. حال آنکه در مقاله مسئله محور پیش‌رو، به مسئله تأثیر متغیر اندیشه اسلامی در تغییر جایگاه زن ایرانی نسبت به پیش از اسلام یعنی عصر ساسانی پرداخته شده است و این اعم از توصیف صرف وضعیت زنان در ایران قبل از اسلام است.

۱۰. پایان نامه «بررسی نقوش زن در آثار هنری دوره ساسانیان»، اساتید راهنما: ابوالقاسم دادور، پریسا شاد، دانشجو: روشنگر نشاط، دانشکده هنر دانشگاه الزهراء. این پایان نامه به بررسی نقش زنان در آثار هنری عصر ساسانی پرداخته است. طبق یافته‌های این پژوهش، زن در ابتدای دوره ساسانیان از حضور معنوی و ارزش بالاتری برخوردار است، گرچه از نقش زن برای رسیدن به مقاصد استفاده شده و حضوری ابزاری و کارکردی دارد که این کارکرد نیز در خدمت اهداف مهمی چون مذهب و سیاست است. ولی در انتهای دوره ساسانیان ارزش معنوی زن کاسته شده و کاربرد نقوش زن بیشتر جهت آراستن و تزئین می باشد. در این اثر نیز با اینکه به جایگاه زن بر اساس آثار هنری دوره ساسانی پرداخته، اما نه تنها روی جایگاه خانوادگی زن متمرکز نشده، بلکه التفاتی به وضعیت دوره اسلامی نیز ندارد. آثار دیگری که حول بحث زن در ایران باستان پرداخته شده است: مقاله «بررسی نقش زن در آثار فلزی دوره ساسانی»، نویسندگان: دکتر مهتاب مبینی، فرزاد ابراهیمزاده و بهمن نوروزی و مقاله «بررسی هویت زنان در نقوش آثار هنری سده‌های آغازین اسلام» نویسنده: پریسا شادقزوینی است. تمامی این آثار در ابعاد مختلف به نقش و جایگاه زن پرداخته‌اند، لیکن به مسئله نقش و جایگاه زن در خانواده و مقایسه دو دوره اسلامی و ساسانی توجه نشده است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش تلاش گردیده تا با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها با رویکرد دین‌شناختی به بررسی و مطالعه تطبیقی ابعاد تحول در جایگاه خانوادگی زن متأثر از اندیشه اسلامی نسبت به عصر ساسانی پرداخته شود. بنابراین در این پژوهش تلاش گردیده است تا بر مبنا و محوریت تعالیم دینی به تبیین جایگاه زن در خانواده، در عصر ساسانیان و در ساحت فرهنگ و اندیشه اسلامی پرداخته شود.

سؤالات پژوهش

سؤالاتی که در این پژوهش مطرح است و باید به آنها پاسخ داد بدین شرح است:

سؤال اصلی:

– اندیشه اسلامی بر جایگاه خانوادگی زن ایرانی نسبت به عصر ساسانی چه تأثیری داشته است؟

سؤالات فرعی:

- اندیشه اسلامی چه تأثیری بر جایگاه خانوادگی زن ایرانی در عرصه ازدواج نسبت به عصر ساسانی داشته است؟

- اندیشه اسلامی چه تأثیری بر جایگاه خانوادگی زن ایرانی در عرصه مسئولیت و وظایف خانوادگی نسبت به عصر ساسانی داشته است؟

یافته‌های پژوهش

یکی از مسائلی که در عصر ساسانیان مطرح است، نظام طبقاتی و حقوق اجتماعی متناسب با طبقات در این عصر می‌باشد. بررسی این مسئله در جامعه ساسانی و پرداختن به تاریخ اجتماعی و خانوادگی زنان، دشواری بسیاری دارد. زیرا غالب نوشته‌های تاریخی به شرح زندگی شاهان و به‌طور کلی مردان، پرداخته و به ندرت در منابع از حضور زنان صحبت شده است. یکی از ابعاد جایگاه اجتماعی، خانواده است که زن به عنوان یکی از اعضای اصلی آن مورد توجه می‌باشد. از جمله مواردی که در ایران عصر ساسانی در حوزه خانواده می‌توان ذکر کرد، مبحث ازدواج است. در این برهه زمانی، شرایط اجتماعی، تأثیر و نقش دین را بر جایگاه زن افزایش داده و جامعه تحت تأثیر حاکمیت دینی ساسانیان، در نقش و جایگاه زنان جامعه بسیار اثرگذار بود. بنابراین در ادامه توصیفی از وضعیت و گونه‌های ازدواج زنان ایرانی در عصر ساسانیان براساس شواهد تاریخی و دینی این دوره و منابع و کتب دینی زرتشتیان ارائه می‌گردد.

۱. تأثیر ازدواج در جایگاه خانوادگی زن ایرانی عصر ساسانی

در ایران عصر ساسانی، ازدواج انواعی گوناگونی داشته که نوع ازدواج هر زن، بیانگر و تعیین کننده جایگاه زوجه در خانواده‌اش است. در ادامه به جایگاه زن ایرانی در عصر ساسانی با توجه نوع ازدواج آنان می‌پردازیم.

یک. پادشاه زن (کدت خوتای)

پادشاه زن، به ازدواج دختر دوشیزه‌ای اطلاق می‌گردد که با اجازه پدر و بعد از سن بلوغ به عنوان همسر اول مرد، به خانه شوهر می‌رود، و دارای حقوقی بیش از دیگر همسران است. کریستین سن این زنان را با عنوان ممتاز و بارتلمه چنین زنی را زن پاتخشائیه^۱ و پادشاه زن^۲ نامیده است.^۳ پادشاه زن در خانه شوهر دارای مسئولیت‌هایی بوده و از نظر حقوقی نیز از جایگاه بهتری نسبت به سایر همسران برخوردار است.

1. Zani Padaxshaiyah.

2. Shah - Zan.

۳. هرمزدیار، *روایت داراب هرمزدیار*، ج ۱، ص ۱۸۱.

فرزندانی که از پادشاه زن متولد می‌شوند، متعلق به شوهر است و آنها شاه فرزندان هستند که، شاه فرزندان^۱ ازدواج می‌کنند و از پدر خود ارث می‌برند. همچنین پادشاه زن وظایفی نیز بر عهده داشت، از جمله رسیدگی به امور خانه و خانواده و تربیت فرزندان، سرپرستی سایر زنان منزل و بردگان،^۲ شراکت در مال شوهر،^۳ در صورت رضایت و موافقت مرد.

پس از مرگ شوهر، ارث او مساوی ارث پسران و ازدواج او پیوندی ابدی است و در سرای آخرت نیز به هم خواهند رسید و زن متعلق به شوهر اولش است.^۴ از جمله کارهایی که بر دوش پادشاه زن قرار داشته این است که اگر شوهر می‌مرد و وارث مذکر نداشت، همسر او برای حفظ دارایی خانواده و سرپرستی فرزندان، جانشین او می‌شد. البته براساس کتاب روایت امیداشووهیستان ذکر شده است که: این قیمومیت و سرپرستی اموال مرد، برای زمانی است که فرزند ذکور ۱۵ ساله در خانه نباشد و همه فرزندان صغیر هستند و از نزدیکان مرد نیز، فرد مذکری سرپرستی آنها را قبول نکند. این سرپرستی زن، موقت است و تا زمانی که کسی سرپرستی را قبول نکند. خانواده تحت قیمومیت زن باقی می‌ماند، و بعد از بلوغ فرزند ذکور (۱۵ سالگی) سرپرستی خانواده به عهده فرزند خواهد بود.^۵

از ویژگی‌های پادشاه زن این است که باید هم‌طبقه با مقام خانوادگی شوهرش باشد، مثلاً اگر مرد از طبقه نجبا و اشراف است، پادشاه زن نیز باید از طبقه اشراف باشد. اما در مورد سایر زنان نیاز نیست که چنین درجه‌ای داشته باشند.^۶

دو. چکر زن

چکر زن، به زنان درجه دوم اطلاق می‌شد که مادون طبقه خانوادگی شوهر بوده و دارای مهریه بودند و زیر نظر پادشاه زن قرار داشتند. چکرزن‌ها تا زمانی که توانایی کار کردن در خانه را داشتند، یعنی تا ۷۰ سالگی، برای آنها مقرری سالانه در نظر می‌گرفتند.^۷ این نوع از زنان کسانی بودند که بعد از درگذشت شوهر اول، به ازدواج مرد دیگری در می‌آمده و یا اگر پادشاه زن نازا بود، شوهر، زن دیگری را اختیار می‌کرد که چاکر زن نامیده می‌شد.^۸ شوهر می‌توانست این همسر درجه دوم خود را به عنوان برده و یا

1. Pad Padixsayiha.

۲. بار تلمه، *زن در حقوق ساسانی*، ص ۵۲.

۳. دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مرکز فرهنگی - سینمایی، *حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران*، ج ۱، ص ۸۳.

۴. آذرگشسپ، *مراسم و آداب زرتشتیان*، ص ۷۷؛ مظاهری، *خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام*، ص ۹۰.

۵. *روایت امیداشووهیستان*، ص ۲۳ - ۳۳.

۶. بار تلمه، *زن در حقوق ساسانی*، ص ۵۳ - ۵۴.

۷. هرمزدیار، *روایت داراب هرمزدیار*، ج ۱، ص ۱۸۱؛ کیخسرو، *آئینه آئین مزدیسنی*، ص ۱۲۶.

۸. علوی، *زن در ایران باستان*، ص ۵۷؛ هرمزدیار، *روایت داراب هرمزدیار*، ج ۱، ص ۱۸۱.

کنیز به مرد دیگری بدهد؛ او از دارایی شوهر حقی نداشت مگر اینکه قرار و پیمانی بین آن دو منعقد می‌شد. فرزندان این گروه از زنان همچون جایگاه مادر، دارای جایگاه مناسبی نبود و کدخدای خانه و یا کتک ختای،^۱ می‌توانست این فرزندان را از خانه بیرون کند و یا همچون برده به فروش برساند.^۲

لذا هرگاه زنی در منزلت چکرزنی باشد از مزایای حقوق همسری بی‌بهره است. جز در موارد خاص که قول و قرارهایی رسماً بین ایشان برقرار می‌گردیده، معمولاً پس از فوت شوهر، چکرزن از آنچه که از شوهرش باقی مانده از اموال گرفته تا غذا و سایر مایحتاج، فاقد هرگونه حقی است.^۳

سه. ایوک زن^۴

ایوک زن، دوشیزه‌ای که تنها فرزند پدر و مادرش باشد. زمانی که ازدواج می‌کند جایگاه او ایوک زن خواهد بود. اولین فرزندی که از او زاده می‌شود، متعلق به والدین او می‌باشد. بعد از آن عنوان او در خانواده شوهر پادشاه زن می‌شود.^۵ اگر مردی بمیرد و پسری نداشته باشد که وارث نام او شود، دخترش را به ازدواج یکی از اقوام نزدیک درمی‌آوردند، اولین پسری که از آنها متولد می‌شود، منتسب به پدر دختر است. اما اگر فرزند اول او دختر بود بعد از بلوغ دختر (نوه) به مردی از اقوام پدربزرگش می‌دادند تا شاید این بار فرزند پسری زاده شود و به نامگانه پدربزرگش درآید.^۶ لذا آنچه که در این نوع از ازدواج اهمیت دارد، داشتن فرزند پسر است که در صورت نبود او در یک خانواده این ازدواج شکل می‌گیرد.

چهار. ستر زن (سذر زن)^۷

اگر پسر جوانی (حداقل ۱۵ ساله) قبل از آنکه ازدواج کند، بمیرد، خانواده او جهیزیه دختری بیگانه را تهیه می‌کنند و به ازدواج مردی بیگانه درمی‌آورند، این زن را سذر زن یعنی زن خوانده می‌گویند. نیمی از فرزندان این دختر متعلق به جوان متوفی و نیم دیگر متعلق به شوهر دختر است.^۸ خود این زن نیز، در

۱. اوشیدری، *دانشنامه مزدیسنا*، ص ۳۸۹، واژه پهلوی آهو (انگهو) به کتک خوتای ترجمه شد. آهو یا انگهو سه معنا برای آن در نظر گرفته شده است: ۱. به معنی جان و نیروی زندگی و چهار نیروی دیگر آدمی، ۲. به معنی هست و زندگی، ۳. به معنای سرور، بزرگ، خدایان، صاحب خانه والی آمده است.

۲. ستاری، *سیمای زن در فرهنگ ایران*، ص ۲۱.

۳. *روایت امید/شوهیستان*، ص ۴۸.

4. Evak Zan.

۵. حجازی، *زن تاریخ (بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان دوره ساسانیان)*، ص ۲۱۵ و ص ۲۲۵؛ هرمزدیار، *روایت داراب هرمزدیار*، ج ۱، ص ۱۸۱؛ شاهرخ، *آئینه آئین مزدیسنی*، ص ۱۲۴.

۶. هرمزدیار، *روایت داراب هرمزدیار*، ص ۳۸۳.

7. Sater Zan.

۸. حجازی، *زن تاریخ (بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان دوره ساسانیان)*، ص ۲۲۵. شاهرخ، *آئینه آئین مزدیسنی*، ص ۱۲۵؛ هرمزدیار، *روایت داراب هرمزدیار*، ج ۱، ص ۱۸۱.

سرای آخرت متعلق به مرد جوانی که فوت کرده، است. این زن تا زمانی که کودکان او بالاخص (پسر) به سن قانونی برسد، قیم اموال متوفی خواهد بود. همچنین این زن در هنگام ازدواج باید دوشیزه باشد.^۱

پنج. خودسر زن (خودسرای)^۲

دختری که بدون رضایت والدین خود ازدواج کند، خودسرای زن گفته می‌شود. پس از این ازدواج، دختر از ارث محروم می‌شود. علاوه بر آن عنوان پادشاه زن را نیز در خانواده همسر پیدا نمی‌کند، تا زمانی که پسر ارشد او به سن قانونی برسد و بار دیگر مادرش را به همسری پدرش درآورد و عنوان پادشاه زن را دریافت کند. این نوع از ازدواج نشان می‌دهد که دختران در انتخاب همسر، نه تنها آزاد نیستند، بلکه در صورت ازدواج با فرد مورد نظر خود از ارث محروم می‌شوند و عنوان پادشاه زن از او سلب می‌گردد و سرنوشت و جایگاه او منوط به رفتار پسر بزرگ او خواهد بود و اختیار و انتخاب زن را تحت الشعاع قرار می‌دهد.^۳ چنانچه در شاهنامه نیز منیژه نمونه خودسر زن است که بدون اجازه پدرش با بیژن ازدواج می‌کند:

بیامد بر شاه ترکان بگفت که دخنت ز ایران گزیدست جفت

منیژه با وجود مخالف‌های پدرش و زندانی کردن بیژن، نهایتاً با او ازدواج می‌کند.^۴ در نتیجه از میان این زنان که ذکر شد، دو دسته مقامشان قابل تغییر است، یکی (ایوک زن) است که بعد از تولد فرزندی برای پدرش، شاه زن می‌شود. دومی (خودسرزن)، بعد از اینکه پسرش رشید شد و پسر رضایت داد که ازدواج مادرش را که تا آن زمان بی‌سرداری بوده، قانونی و شرعی کند و عنوان شاه زن و زوجه مشروعه پیدا کند.

شش. ازدواج ابدال

به سبب اهمیت بقای نسل در بین ایرانیان، در صورت فوت مرد خانواده، اگر فرزند پسری نداشته باشد و همسر یا دختری که برای بقای نسل او فرزندی به نامگانه او بیاورند^۵ لذا برای او اقدام به ازدواج ابدال می‌کنند.

۱. همان.

۲. خودسالار (Xudsalar).

۳. حجازی، *زن تاریخ (بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان دوره ساسانیان)*، ص ۲۲۶ - ۲۲۷. شاهرخ، *آئینه آئین مزدیسنی*، ص ۱۲۶.

۴. فردوسی، *شاهنامه*، ص ۴۴۰.

۵. همسر یا دخترش به عنوان «چکر زن» یا «ایوک زن» به همسری مرد دیگری در آورده می‌شود و فرزند اولی که از آنها متولد می‌شود متعلق به مرد متوفی می‌باشد که وارث اموال او باشد. (ر. ک. مظاهری، *خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام*، ص ۹۴ - ۹۲)

در نامه تنسر در مورد ازدواج ابدال آمده است که:

چون کسی ازیشان بمیرد و فرزند نداشته باشد اگر همسر او زنده باشد او را شوهر می‌دهند به خویشاوندان نزدیک مرد و اگر زن او نیز فوت کرده باشد و دختری دارد، دخترش را شوهر می‌دهند و اگر هیچکدام از این دو (همسر و یا فرزند دختر) را نداشته باشد از مال متوفی دختری را به همسری یکی از خویشان آن مرد در می‌آورند و هر فرزندی که از او متولد شد به آن مرد متوفی تعلق دارد.^۱

زیرا از نظر زرتشتیان نسل مرد باید پایدار باشد. منظور از نسل و فرزند فقط «فرزند پسر» است، زیرا اگر مراد از فرزند، عام باشد یعنی (چه دختر، چه پسر) پس او صاحب فرزند است، چنانچه در ابتدای نامه تنسر نیز آمده «اگر دختر دارد»، اما در ادامه متن روایت می‌گوید: او را شوهر می‌دهند تا برای پدر صاحب فرزند شود، لذا مراد از فرزند و داشتن نسل، صرفاً فرزند پسر مدنظر می‌باشد، که بیانگر نادیده گرفتن جنس مونث در خانواده است.

هفت. ازدواج استقراضی

این ازدواج را «زن عاریتی» یا «استقراضی» گویند. شوهر حق دارد که زن اصلی خود را به مرد دیگری دهد تا از کودکان مرد دوم پرستاری نماید. این ازدواج به صورت موقت بوده و رضایت زن در این ازدواج ملاک نمی‌باشد، شوهر می‌تواند بدون اجازه او را به مرد دیگر بدهد. بر شوهر دوم نیز لازم است تا مایحتاج زن عاریتی را تأمین نماید. کودکانی که از این ازدواج حاصل می‌شود، متعلق به همسر اول زن خواهد بود. از لحاظ حقوقی اعتراض زن به این قرارداد شوهر اصلی برای واگذاری او به مرد دیگر، بی اعتبار و زن به عنوان شیء محسوب شده است، نه شخص؛ فرزندان این ازدواج به‌مثابه کودکان یک کنیز هستند که برای انجام خدمت اجاره داده می‌شوند.

دلیل این ازدواج را عمل خیرخواهانه‌ای می‌دانند که چون یک هم‌کیش نیاز به ازدواج داشت، اما توان مالی برای ازدواج ندارد و کودکانی دارد که نیاز به حمایت و مادر دارند، انجام می‌شود.^۲ چنانچه دلیل این امر را موبدان از کتاب **وندیداد** برداشت نموده‌اند:

هرگاه دو تن (خواه همدین، خواه برادر، خواه دوست) با یکدیگر پیمان بستند تا کالایی را یکی از دیگری بگیرد یا زنی از خاندان او را به ازدواج خود در آورد یا دانشی از او

۱. نامه تنسر به گشنسپ، ترجمه مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی، ص ۶۷ و ۶۸.

۲. بار تلمه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۶ - ۵۹.

بیموزد آنکه کالایی خواسته باید به او داده شود و آنکه زنی را به همسری برگزید باید همسرش را به او بسپارد تا با او زناشویی کند و ...^۱

هشت. خُویدوده

در اوستا به کلمه خئتوداتا^۲ برمی خوریم که مرکب از دو واژه «ختتو»^۳ به معنی خویش و «ود»^۴ به معنی ازدواج است که، به یکی از انواع ازدواج عصر ساسانی اشاره دارد.^۵ آیین ازدواج با محارم در زبان اوستایی «ختیتوداتا» و در زبان پهلوی «خوی توک داس» و در زبان فارسی «ختوت» تلفظ می‌گردد.^۶ براساس منابع زرتشتی اهورامزدا اولین کسی بود که به این آیین دستور داد. چنانچه در کتاب روایت پهلوی آمده است که، بزرگترین ثواب برای بهدین انجام عمل خویدوده و بزرگترین ناپود کننده دیوان می باشد. اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود و خود اهورامزدا نیز به خویدوده عمل می‌کند، «چون زرتشت پیش هرمزد نشست و بهمن و اردیبهشت و شهریور و خرداد و امرداد و سپندارمذ پیرامون هرمزد نشینند، سپندارمذ به کنار هرمزد نشسته و دست به گردن او آورده بود. زرتشت از هرمزد پرسید که: این کیست که به کنار تو نشیند و او را چنان دوست هستی و او نیز چنین تو را دوست باشد؟ ... هرمزد گفت: این سپندارمذ دختر من و کدبانوی بهشت و مادر آفریدگان من است».^۷ برای اثبات این مسئله به کتاب اوستا استناد می‌گردد، در یسنای اوستا هات ۴۵ بند ۴ ذکر شده که، آرمیتی (سپندارمذ) دختر اهورامزدا است،^۸ و در اشی یشت (ارت یشت) اوستا خطاب به اشی گفته می‌شود که: «اهورامزدا پدر توست. سپندارمذ مادر توست و ...».^۹ اما دومین کسی که می‌توان گفت در آیین زرتشتی به این سنت عمل کرده، خود زرتشت می‌باشد که با دخترش «چیستا» ازدواج (خویدوده) کرده است:

درباره ستایش پوروچیست - دختر زرتشت - به سبب اینکه بهدین را با خرد انتخاب کرد و دستورات دین را انجام داد و با رضایت تن به زنی زرتشت داد ...^{۱۰}

۱. وندیداد، فرگرد ۴، بند ۴۵.

2. Xvaeradatha.
3. Xvaetu.
4. Vad.

۵. پارسا و دیگران، *زن در ایران باستان*، ص ۱۳۴.

۶. علوی، *زن در ایران باستان*، ص ۵۹.

۷. روایت پهلوی، ص ۴ بند ۸.

۸. از اشه دریافتم که مزدا آفریدگار و پدر منش نیک کوشاست و آرمیتی دختر نیک کنش هموست. (اوستا یسنه هات ۴۵، بند ۴)

۹. اوستا، اشی یشت کرده ۲ بند ۱۶.

۱۰. اوستا، فرگرد ۲۲ و هیشتیویش، بند ۴، ص ۲۷۱، تصحیح و ترجمه سوتگرنسک و ورثت مانسرنسک از دینکرد ۹، به کوشش ژاله آموزگار.

انجام عمل خویدوده دارای جایگاه بالایی است و در کتاب *روایت پهلوی* ذکر می‌شود که هرمزد (اهورامزدا) به زردشت سفارش می‌کند که چهار چیز بهترین کارهاست: ۱. هرمزد (خدا) را نیایش کردن، ۲. به آتش هیزم و بوی خوش و زوردادن،^۱ ۳. خشنود کردن مرد پرهیزگار، ۴. کسی که با مادر یا دختر یا با خواهر خویدوده کند، و از این موارد خویدوده بزرگتر و مهم‌ترین و برترین است. زیرا دیوان را نابود می‌کند.^۲

یکی از دلایلی که برای این آیین ذکر شده بنا به گفته کریستین سن در کتاب *ایران در زمان ساسانیان*، به سبب اهتمام به پاکی نسب و خون خانواده، ازدواج با محارم را جایز می‌دانسته‌اند.^۳ از دلایل دیگری که ذکر شده این است که «خویدوده» یا «ازدواج با محارم» از نظر موبدان و براساس کتب زرتشتی، مردان ثواب بسیار می‌برند و بهشت زرتشتی بر آنها حلال می‌گردد. در این نوع ازدواج، رضایت زن که شامل هر کدام از محارم (مادر، خواهر و یا دختر) می‌شود، لازم نبوده و اگر حاضر به این ازدواج نمی‌شد، مرد می‌توانست به زور با او ازدواج کند و در این صورت هم از ثواب ازدواج با محارم برخوردار شود. اما در صورتی که اگر زن تمایل به این ازدواج داشته باشد و مرد موافق نباشد، نباید انجام شود و گناه است.^۴

یکی از بارزترین نمونه تاریخی که می‌توان در این دوره ذکر کرد صاحب کتاب *ارداویراف‌نامه* می‌باشد که معراجی به جهان آخرت داشته و خصوصیات بهشتیان و جهنمیان را در جهان مینوی بیان می‌کند. در واقع ارداویراف با هفت خواهر خود ازدواج کرده و رسم خویدوده را به جا آورده است؛ چنانچه در کتاب ارداویراف‌نامه آمده است: «ویراف را هفت خواهر بود و آن هر هفت، ویراف را چون زن بودند و...» زمانی که ویراف را بنگ می‌دهند تا به معراج رفته و از جهان دیگر خبر بیاورد، خواهران او به اعتراض نزد موبدان می‌روند و خواهش می‌کنند که ویراف را برگردانند و موبدان را این چنین مورد خطاب قرار می‌دهند: «شما مزدیسنان این چیز چه ما هفت خواهریم و یک برادر و هر هفت خواهر آن برادر را زنیم...»^۵

از دیگر موارد ازدواج با محارم می‌توان به ازدواج بین شاهان ساسانی اشاره کرد:

– اتوراناهید، دختر و همسر شاهپور یکم بود.

– دینک، بانوی بانوان همسر و خواهر اردشیر بود.^۶

۱. در اوستا (زَوَثَر) و در پهلوی و فارسی (زوهر) یا (زور) خوانده می‌شود که به معنی نیازها و پیشکش‌های مایع مانند شیر و نوشابه (هوم) است. (اوستا، واژه نامه، ص ۹۹۹).

۲. روایت پهلوی، ص ۵، بند ۸.

۳. کریستن سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۴۳۳.

۴. *روایت آذرفرنبغ فرخزادان*، ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی، پرسش بیستم، ص ۱۶.

۵. ارداویراف‌نامه، ترجمه رشید یاسمی، بند دوم، ص ۱۲.

۶. عربان، *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه پهلوی - پارتی*، ص ۷۲.

– یزدگرد دوم پسر وهرام پنجم (گور) با دختر خود ازدواج کرد.^۱

– ازدواج بوران دختر خسرو پرویز با شیرویه پسر خسرو پرویز.^۲

– بهرام چوبین با خواهر خود به نام گردیه ازدواج کرد.

همچنین آگاتیاس^۳ که در عهد سلطنت انوشیروان می زیست مطرح می کند که قباد پدر انوشیروان با دختر خود که نامش زنبق (سمبیکه)^۴ بود ازدواج کرد.^۵

از دیگر مواردی که در کتب زرتشتی به این آیین سفارش شده می توان به کتاب *شایست ناشایست* اشاره کرد: «نرسی برز مهر این سه واژه را گفته که کرفه خویدوس گناه مرگزان را نابود می کند و ...».^۶ یعنی کسی که بدترین گناه انجام دهد و بزرگترین مجازات را دارد با خویدوده گناهش بخشیده می شود. در کتاب *زند بهمن یسن* نیز آمده است که: «برترین پرهیزکاران آن باشد که به دین مزدیسنان ایستد (باقی بماند) و دین خویدوده (آیین ازدواج با نزدیکان) در دوده آورد»^۷ طی یک سؤال و جواب فقهی نیز در مورد کسی که مانع ازدواج خویدوده شود در کتاب *روایت امید/شوهیستان* آمده است که: «اگر مردی با رضایت خواهر تنی که از یک پدر و مادر هستند، تقبل نماید که با او ازدواج کند، اما قبل از اعلام رسمی، مردی بدون مجوز پدر یا مادر و یا برادر دختر، بیاید و با او ازدواج کند، میزان گناه او تا چه اندازه است؟ در جواب این آورده شده است که: میزان چنین گناهی برابر با گناه زن دزدی است و این گناه سزایش مرگ است». در این مورد خاص گناه کبیره برهم زدن عمل ثواب ازدواج با محرم هم به آن اضافه می گردد.^۸

گرچه این سنت در عصر حاضر و براساس دستورات دینی اسلام عملی قبیح محسوب می شود، اما از نظر آیین زرتشت، سنت و دارای ثواب و منزلت نیز بوده است. لذا بر اساس روایات اسلامی، این عمل قابل حل و چشم پوشی است، چنانچه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که شخصی نزد امام زبان به دشنام مجوسی گشود و نکاح محارم آنها را مورد سرزنش قرار داد حضرت به او فرمود: «كُلُّ قَوْمٍ يَعْرِفُونَ النَّكَاحَ مِنْ

۱. کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۲۸۳.

۲. *رویدادنامه خوزستان*، ص ۸۸.

3. Agathias.

4. Sambike.

۵. لوکونین، *تمدن ایران ساسانی*، ص ۳۲۵ - ۳۲۶؛ بلعمی، *تاریخ بلعمی*، ج ۲، ص ۹۶۸؛ کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۴۷۲.

۶. *شایست و ناشایست*، ص ۱۰۱.

۷. *زند، یسن*، ص ۱۰.

۸. *روایت امید/شوهیستان*، ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

السَّحَّاحِ فَيَكَا حُهُمْ جَائِزٌ»^۱ بنابراین هر ملت و جمعیتی که دستوراتی برای نکاح و دستوراتی نیز برای زنا ذکر کرده باشد، نکاح آنها جایز و این جواز، به معنی تجویز نخواهد بود، بلکه به معنی امضا می‌باشد.^۲ اما آنچه که در اینجا مورد نقد قرار می‌گیرد، نحوه این ازدواج است. اگر هر کدام از محارم، راضی به ازدواج با محرم خود نباشند او می‌تواند به زور با او ازدواج کند^۳ و این اجبار و عدم اختیار و خواست زن در این ازدواج نکته مهمی است که نشان از شیء‌پنداری و عدم توجه به شخصیت زنان است.

۲. وظایف و نقش زنان در خانواده

به دلیل اهمیت تشکیل خانواده و مادر شدن در جامعه ساسانی، توجه دین زرتشتی به تعالیم خانه داری و شوهرداری زنان معطوف گردیده است و زنانی که این وظیفه را به نحو احسن انجام دهند، مورد تمجید قرار گرفته‌اند. در این عصر، خانه داری به اندازه‌ای دارای اهمیت است که اگر زنان شوهردار نتوانند علوم دینی را فرا بگیرند، خانه داری و شوهرداری جایگزین آن می‌گردد. به عبارت دیگر در صورتی که فرمانبردار شوهر باشند، از انجام تکالیف مذهبی معاف می‌شدند.^۴ از دیگر وظایفی که زنان در خانواده بر عهده دارند، تعلیم فرزندان است. کدبانوی خانه باید دختران را مادرانی نیکو بار بیاورد. او پس از آموزش اصول اخلاقی، دختران را از سن نه سالگی به آموزش کارهای خانه مانند تمییز کردن خانه، نظافت، بافتنی کردن، کشاورزی و دامداری وامی‌دارد.^۵ این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که کارهای خانه و انجام فعالیت‌های اجتماعی و غیر آن، برای زنان براساس طبقه اجتماعی او نیز متغیر بوده است.

از دیگر تعالیمی که مادران در خانه به کودکان آموزش می‌دادند مواردی است مانند چگونگی لباس پوشیدن، رعایت پاکیزگی، نحوه رفتار و تعامل با دیگران، نحوه انجام اصول دینی، همچنین آموزش در حوزه تربیت اجتماعی آیین زرتشتی است.^۶ بنابراین در یک بیان کلی می‌توان گفت مهم‌ترین نقش و عملکرد زنان در این بُعد از خانواده، شوهرداری، فرزندآوری و فرزندپروری بوده است. آنچه در تربیت فرزندان اهمیت داشته، این است که براساس کتاب «صد در بندهش»^۷ پدر و مادر در گناهانی که

۱. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۷۵.

۲. فاضل لنکرانی، آیین کیفری اسلام (شرح فارسی تحریر الوسیله) ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. روایت آذرفرنبغ فرخزادان، ترجمه حسن رضایی باغبیدی، پرسش بیستم، ص ۱۶.

۴. بیژن، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۵۴.

۵. بارتمه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۳؛ مظاهری، خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام، ص ۲۰۲.

۶. حجازی، زن تاریخ (بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان دوره ساسانیان)، ص ۲۱۵.

۷. کتاب صد در بندهش یا صد در بندهش نام کتابی است در تعالیم و شعائر و مناسک و شایست و ناشایست‌های دینی زرتشتی و برخی باورهای عامیانه که ریشه در معتقدات دینی دارد. این کتاب به صد بخش تقسیم شده و هر بخش موضوعی و مشتمل بر چند بند و گاه چند عبارت است.

فرزندان انجام می‌دهند، شریک هستند. لذا تربیت و نقش مادر در این امر بسیار مهم است.^۱ نکته‌ای که در اینجا می‌توان به آن اشاره نمود این است که برخی مدعی شده‌اند که با مطالعه قوانین عهد ساسانی متوجه تضاد در برخی قوانین می‌شویم و این نشان می‌دهد که در طی سال‌های حکومت ساسانی تحولات بسیاری در حوزه حقوق زنان به وقوع پیوسته است و زنان به مرور از جایگاه و مقام بالاتری نسبت به قرون گذشته، برخوردار شده‌اند. بنابراین می‌بینیم که بنابر قوانین اولیه، زن در خانه همچون کودکان و کنیزان بدون چون و چرا باید اوامر مرد را اطاعت کند. اما در طی زمان این قوانین و موقعیت تغییر یافته و زن از مقام بردگی مرد به مقام همسری او ارتقا پیدا کرد. این امر تا اندازه‌ای پیش رفت که زن می‌توانست در صورت آزار و اذیت همسرش مورد حمایت قانونی قرار گیرد و از او شکایت کند. همچنین زنان در این دوره حق معامله و یا عقد قرارداد را نداشتند، اما در حقوق جدید عصر ساسانی این مسئله ساقط شد و زن نیز می‌توانست همچون مردان عقد قرارداد کند و شریک کاری همسرش قرار گیرد.^۲

- شغل زنان

به‌عنوان یکی از ابعاد جایگاه خانوادگی زنان، می‌توان به مسئله اشتغال آنها اشاره کرد، که یکی از منابع درآمد در خانواده نیز محسوب می‌گردد و می‌توان با توجه به این بُعد از نقش خانوادگی زنان به میزان جایگاه و نقش اجتماعی ایشان نیز پی برد. گرچه مسئولیت اصلی اقتصاد خانواده بر دوش مردان است اما جایگاه زنان نیز از این بُعد خالی از توجه نیست؛ چنانچه زنان در هر طبقه براساس نقشی که داشته‌اند، مؤثر در اقتصاد خانواده خود بوده‌اند. ولو خود زنان به‌طور مستقیم به‌دنبال مسئله اقتصادی و گاه بالاجبار عاملی اقتصادی در خانواده محسوب می‌شده‌اند. چنانچه که ذکر شد زانی که به عنوان همسر به مرد دیگری در ازدواج استقراری داده می‌شدند، فرزندان حاصل از این ازدواج برای بردگی فروخته می‌شده‌اند و نتیجه اقتصادی در خانواده داشته است. همچنین دیگر مشاغلی که زنان به‌عنوان کدبانوی خانه و همراه و همسر در خانه ایفا می‌کرده‌اند عاملی در پیشبرد اقتصاد خانواده است که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت. لذا نوع اشتغال زنان خود نشان از جایگاه و نقش آنها در نظام خانوادگی دارد.

زن به‌عنوان همسر و مادر خانواده در اقتصاد خانه نیز نقش مهمی داشت. گرچه در تمام ابعاد زندگی جامعه عصر ساسانی مسئله تضاد طبقاتی را باید در نظر گرفت، که به تبع آن شغل و ایفای نقش زنان نیز متفاوت بوده است. یکی از مهم‌ترین مشاغل زنان قابلیت و مامایی و کمک به زن زائو بوده است.

1. Dhabhar, Ervad Bamanji Nasarvanji, 1909, *Saddar Nasr & Saddar Bundelesh*, Bombay, The Trustees of the Parsee Punchayet Funds & Properties, 29 (1 & 8), p. 97.

۲. آزاد، پشت پرده‌های حرمسرا، ص ۹۶.

چنانچه در کتاب **شایست و ناشایست** آمده است که ده زن برای یاری زن زائو باید او را یاری کنند و هر کدام وظیفه‌ای را به عهده بگیرند.^۱

یکی دیگر از مشاغل زنان در این دوره «گیاه پزشکی» بود که گاهی زنان از آن در راه نادرست استفاده می‌کرده‌اند، به عنوان مثال با دادن داروهای مضر به سقط جنین نامشروع کمک می‌کرده‌اند.^۲ که در **ارداویراف‌نامه** چنین زانی مورد نکوهش و دوزخی هستند.^۳

ریسندگی و دوختن کمر بند مقدس یا «کُستی»، شغل زنان در طبقات شهری بوده است.^۴ برای شغل زنان روستایی نیز، می‌توان کشاورزی و دامداری را نام برد.

شغل دیگری که مورد نکوهش و سرزنش موبدان و کتب دینی زرتشتی قرار داشت و براساس **ارداویراف‌نامه** مستحق دوزخ می‌باشد، شغل آرایشگری است. علت حرام بودن این کار بر تصور اشتباهی که از مواد آرایشی داشته‌اند ایجاد شده بود. آنها گمان می‌کردند که برای تهیه مواد آرایشی، از چیزهای ناپاک مثل کرم و حشرات استفاده می‌شده است.^۵

لذا می‌توان گفت جایگاه و نقش زنان در خانواده و اجتماع به سبب فعالیت‌هایی که داشته‌اند پررنگ و مؤثر بوده و تغییر موقعیت آنها براساس نظام طبقاتی نیز متفاوت بوده است.

جایگاه خانوادگی زن از منظر اندیشه اسلامی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ اولین و مهم‌ترین اقدامی که در رابطه با زنان انجام دادند، تغییر دیدگاه جامعه بود. لذا برای تحقق این امر جایگاه زن را به‌عنوان انسانی برابر با مردان و دارای حقوق و تکالیف معین تبیین، و حقوق همسران نسبت به یکدیگر را مشخص نمودند. همچنین برای زنان حق ارث، مهریه و رضایت در ازدواج و طلاق قرار دادند، به همراه مسائل دیگری که باعث تغییر جایگاه پست زن گردید. گرچه این امر در دوران خلفا ادامه پیدا نکرد و به‌سبب اختلاف عملکرد خلفا و حاکمان اموی، با دستورات اصیل اسلامی و ایجاد انحراف در دین اسلام، مشاهده می‌کنیم که در دستگاه حکومت و جامعه اسلامی رفتارها و روش‌هایی شکل گرفت که با اسلام اصیل محمدی ﷺ تفاوت فاحش داشت. از جمله عملکردهایی که در این دستگاه دیده می‌شود تفاوت دیدگاه نسبت به زنان و تغییر رفتار مردان و بازگشت

۱. مزداپور، **شایست و ناشایست**، ص ۱۲۶.

۲. وندیداد (اوستا)، ترجمه جلیل دوستخواه، ج ۲، ص ۸۲۸.

۳. بی‌نا، **ارداویراف**، ترجمه رشید یاسمی، ص ۴۶۷.

۴. مزداپور، **زن در آیین زرتشتی**، ص ۵۹.

۵. بی‌نا، **ارداویراف**، ترجمه رشید یاسمی، ص ۳۷۲. مزداپور، **زن در آیین زرتشتی**، ص ۶۵.

دوباره به تفکرات جاهلیت است. گرچه به شدت عصر جاهلی نیست، اما این تغییر رویکرد به وضوح در این دوره دیده می‌شود. چنانچه در این باره عبدالله فرزند عمر تصریح می‌کند، عمر گفته است که در عصر پیامبر ﷺ از ترس آنکه درباره ما وحی نازل شود، زبان و رفتارمان را نسبت به زنان مهار می‌کردیم، همین که پیامبر ﷺ وفات کرد، زبان ما نسبت به زنان گشوده شد.^۱

- زن در فرهنگ تراز اسلامی

یکی از اولین اقدامات پیامبرگرمی اسلام ﷺ، مقابله با سنت‌های غلط، تغییر نگرش و تصحیح فرهنگ زندگی عرب جاهلی بود. از تفکرات غلط این دوران، دیدگاه اعراب نسبت به زنان و جایگاه پایینی بود که برای این قشر از جامعه قائل بودند. چنانچه در میان عرب جاهلی، زانی که شوهرانشان فوت می‌کردند نه تنها ارث نمی‌بردند، بلکه خودشان نیز به ارث برده می‌شدند. خداوند در مورد این عمل جاهلی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا...»^۲ همچنین عمر بن خطاب، درباره رویکرد عرب جاهلی و جامعه اسلامی نسبت به زنان می‌گوید: «ما در دوران جاهلیت زنان را به هیچ می‌انگاشتیم اسلام و قرآن بود که حقوق زنان بر مردان را به رسمیت شناخت...»^۳.

۱ - ۱. زن به عنوان همسر در خانواده

سفارشات و روایات بسیاری از پیامبر گرمی اسلام ﷺ در مورد خانواده ذکر شده است. چنانچه روایت است از پیامبر ﷺ که به امیرالمؤمنین امام علی رضی الله عنه برای آغاز زندگی زناشویی می‌فرمایند: ای علی زمانی که عروس را به خانه تو آوردند، وقتی که نشست کفش او را بیرون بیاور و پایش را شستشو بده و آبش را جلوی در خانه‌ات بریز که اگر چنین کنی خدا از خانه‌ات هفتاد هزار فقر را بیرون کند و هفتاد هزار برکت به خانه‌ات خواهد آورد و هفتاد هزار رحمت بر تو فرو فرستد تا بالای سر عروس بچرخد و برکت آن را به هر گوشه از خانه‌ات برساند.^۴

براساس دستورات اسلامی زن و مرد در خانواده و نسبت به یکدیگر دارای حقوقی هستند که براساس نقش آنها در خانواده باید رعایت گردد. از مهم‌ترین وظایف زنان (تمکین) از همسر خود است. علاوه بر

۱. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۲۲، ح ۱۶۳۲. «كنا نتقي الكلام والانسباط إلى نساتنا على عهد رسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلّم - مخافة أن ينزل فينا القرآن. فلما مات رسول الله - صَلَّى اللهُ عليه وسلّم - تكلمنا».

۲. نساء (۴): ۱۹.

۳. القتيبي المصري، ارشاد الساری لشرح صحيح بخاری، ج ۸، ص ۴۴۳. «قال: كُنَّا فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَا نَعُدُّ النِّسَاءَ شَيْئًا فَلَمَّا جَاءَ الْإِسْلَامُ وَذَكَرَهُنَّ اللَّهُ رَأَيْنَا لَهُنَّ بِذَلِكَ عَلَيْنَا حَقًّا مِنْ غَيْرِ أَنْ نُدْخِلَهُنَّ فِي شَيْءٍ مِنْ أُمُورِنَا».

۴. ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ص ۵۶۷.

این هر عملی را که زن در خانه همسر انجام می دهد، دارای اجر و ثواب دنیوی و اخروی است. چنانچه روایت شده است که اگر زنی حتی به اندازه یک جرعه آب به شوهرش بدهد اجری برای او دارد و بهتر از عبادت یک سال است که روزهایش روزه باشد و شبهایش عبادت کند. خداوند شهری در بهشت برای او می سازد و شصت گناهش آمرزیده می گردد.^۱

همچنین در مورد ثواب کار کردن زن در خانه شوهر آمده است که اگر زنی هفت روز در خانه همسرش کار کند خداوند هفت در جهنم را بر روی او می بندد و هشت در بهشت را بر روی او باز می کند.^۲ کوچک ترین کارها و اعمال زن در خانه شوهر گرچه در حد تغییر دکوراسیون خانه نیز دارای اجر و ثواب است.^۳

از طرف دیگر به مردان نیز سفارش شده که محبت و علاقه خود را به زنان نشان دهند و این ابراز علاقه، نشانه ایمان واقعی مردان است.^۴ همین امر سبب گرمی کانون خانواده و استحکام آن می گردد. همچنین در سیره ائمه علیهم السلام روایاتی مبنی بر ثواب کار کردن مردان و کمک به همسر در خانه آمده است. چنانچه امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام روایت می کنند که: «در یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به منزل ما آمدند. فاطمه علیها السلام نزدیک دیگ غذا نشسته بود و من هم برایش عدس تمییز می کردم. آن حضرت فرمودند: بشنو از من که جز آنچه را که پروردگارم امر کرده نمی گویم! هیچ مردی نیست که در کارهای منزل به همسرش کمک کند، مگر اینکه پاداش او به هر تار مویی که بر بدنش روییده باشد، ثواب یک سال عبادتی است که روزهایش را روزه گرفته و شبهایش را شب زنده داری کرده باشد و خداوند به او ثوابی می بخشد که به صابرین و داوود نبی علیه السلام و یعقوب علیه السلام و عیسی علیه السلام بخشیده باشد. ای علی! کسی که در کارهای خانه به همسر خود بدون تکبر خدمت نماید، پروردگار اسمش را در دفتر شهدا ثبت می کند و برایش به هر روز و

۱. بروجرودی، *جامع احادیث الشیعة*، ج ۲۵؛ ص ۵۰۶؛ «ورآم ابن ابي فراس في كتابه قال و قال عليه السلام: ما من امرأة تسقي زوجها شربة من ماء إلا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهارها و قيام ليلها و بيني الله لها بكل شربة تسقي زوجها مدينة في الجنة و غفر لها ستين خطيئة».

۲. حر عاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۲۰، ص ۱۷۲، ح ۲۵۳۴۲. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ أَغْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَ فَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَتْ».

۳. ابن بابویه، *من لا يحضره الفقيه*، ص ۴۱۱؛ «أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئاً مِنْ مَوْضِعٍ إِلَيَّ مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحاً نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذَّبْ».

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۵، ص ۵۶۹؛ حر عاملی، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۲۰، ص ۲۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَلَّمَا ارْتَدَّ الْعَبْدُ أَيْمَانًا ارْتَدَّ حَبًّا لِلنِّسَاءِ»؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَأ يَذْهَبَ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.

شبی ثواب هزار شهید و به هر قدمی که برمی دارد ثواب حج و عمره می دهد و به ازای هر رگی در بدنش یک شهر در بهشت برایش قرار می دهد.^۱

بنابراین نه تنها کار کردن زنان در خانه شوهر دارای اجر و ثواب است، بلکه کمک کردن مردان نیز در خانه دارای اجر می باشد.

۱ - ۲. زن به عنوان مادر

زنان در خانه علاوه بر همسراری وظیفه تربیت فرزندان و نقش بزرگ مادری را برعهده دارند. لذا پیامبر اکرم ﷺ برای جایگاه مادر ارزش بالایی قائل هستند. چنانچه در روایت آمده است که شخصی نزد پیامبر ﷺ آمده و سؤال کرد چه کسی بیشترین حق را بر من دارد پیامبر ﷺ فرمود: مادر و شخص این سؤال را سه مرتبه دیگر می پرسد و پیامبر ﷺ هر بار می فرماید مادر و در نهایت برای بار چهارم می فرماید پدر.^۲

همچنین در روایت دیگری از پیامبر ﷺ، در مورد مراحل مادری و فرزندآوری، جزای اعمال زنان را بیان می فرماید، که اگر زن حامله شود به سان روزه دار شب زنده داری خواهد بود که با جان و مال در راه خدا جهاد می کند و وقتی که زایمان کند پاداشی بس بزرگ دارد که نمی داند آن پاداش چیست و وقتی کودکش را شیر می دهد در برابر هر مکیدن برای او به مثابه آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل است و وقتی که از شیر دادن فارغ شد فرشته ای بر پهلوی او می زند و می گوید: از نو آغاز به کار کن که بخشیده شده ای.^۳

۱ - ۳. زن به عنوان دختر

در زمانی که زنان در حضيض ذلت بودند و دختران را زنده به گور می کردند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ بر اساس دستورات الهی مردم را از زنده به گور کردن دختران منع فرمود و ایشان را دعوت به محبت و ابراز علاقه به دختران کردند. حتی مردان را سفارش می کنند زمانی که به بازار می روند و چیزی می خرند، آنچه را که خریده اند اول به دختران بدهند و سپس به پسران.^۴ همچنین در مورد دختران سفارش می کنند که اگر کسی فرزند دختری دارد و به او دشنام ندهد و پسران را بر او ترجیح ندهد خداوند به او خانه ای در بهشت خواهد داد.^۵

۱. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸.

۲. مازندرانی، شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)، ج ۹، ص ۲۴. «قال رجل: یا رسول الله من أحق بحسن الصحبة؟ قال أمك، قال: ثم من قال أمك، قال: ثم من؟ قال: أمك قال ثم من؟ قال أبوک».

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۵۱، ح ۲۵۷۷۵.

۴. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ص ۵۷۷.

۵. ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱؛ ص ۱۸۱، ح ۲۴۳. «وَقَالَ ﷺ مَنْ كَانَ لَهُ أَنْتِي فَلَمْ يَدِّهَا وَلَمْ يَهْتَهَا وَلَمْ يُؤْتِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

لذا پیامبر اکرم ﷺ این چنین با دستورات و سفارشات بسیار، مردان را از عمل جاهلی (زنده به گور کردن دختران) منع و سفارش به نیکی و توجه به دختران می‌کند.

۱ - ۴. شغل

زنان در دو برهه زمانی قبل و بعد از اسلام همپای مردان فعالیت می‌کرده‌اند، با این تفاوت که در دوره جاهلی نقش زنان ابزاری بوده و هر آنچه که کسب می‌کرد برای قبیله و خانواده مصرف می‌شده است و دستمزدی به او داده نمی‌شد. درحالی که در اسلام زن مالک نتیجه کار خود می‌گردد. چنانچه در قرآن می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ»^۱ هر یک از زن و مرد آنچه که کسب کرده‌اند بهره‌مند می‌شوند.

همچنین تلاش جهت کسب روزی حلال برای زن و مرد فریضه دانسته شده و سفارش گردیده است، که بر هر زن و مرد لازم است تا در کسب حلال تلاش نمایند.^۲ چنانچه نبی اکرم ﷺ می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْكَاسِبِينَ»^۳ زن نیکوکار یکی از تجار کنندگان است. لذا اسلام با اشتغال زنان نه‌تنها مخالف نیست بلکه سفارشات لازم را برای اشتغال سالم زنان بیان می‌گردد.

یکی از مشاغل زنان در این دوره، پزشکی است. چنانچه زینب دختر بنی اود یکی از زنانی بود که در این امر به‌خصوص چشم پزشکی مهارت بسیاری داشت و در میان عرب مشهور بود.^۴

همچنین از دیگر شاخه‌های پزشکی، قابلگی است. چنانچه اسماء بنت عمیس هنگام ولادت امام حسن و امام حسین ﷺ قابله حضرت فاطمه ﷺ بوده و ایشان را یاری نموده است و در این‌باره در مورد چگونگی دادن نوزاد به رسول الله ﷺ و نامگذاری آن حضرت سخن می‌گوید.^۵

براساس تحقیقات پژوهشگران، مشاغل زنان ایرانی در این دوره (پس از اسلام) به شانزده مورد تقسیم می‌شود: صنایع دستی، نخ‌ریسی و پارچه‌بافی، دست‌فروشی، آرایشگری، دامداری و چوپانی، زمامداری استر و شتر، کشاورزی و باغداری، دباغی، خرازی، خیاطی، خدمتکاری و نظافت، شیردهی، حضانت و نگهداری اطفال، بازرگانی، کار اداری، بازار، انتظامات، پرستاری و خدمات ضروری و پزشکی و جراحی.^۶

۱. نساء / ۳۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹، ح ۳۵. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ».

۳. طوسی، الأمالی (اللطوسی)، ح ۱۲۶۹، ص ۶۱۴ و ۱۰۹.

۴. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۶، ص ۲۱؛ اشتهرت «زینب»، وهی من «بنی اود» بالطب. کانت تطیب و تعالج العین و الجراح.

۵. ابن بابویه، عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴، ح ۳۵۸.

۶. ستاری، سیمای زن در فرهنگ ایران، ص ۱۲۸.

نتیجه

براساس آنچه که در این پژوهش ذکر گردید می‌توان به موارد مقایسه‌ای زیر در عرصه خانواده از ابعاد جایگاه اجتماعی اشاره نمود و همچنین میزان تغییرات ایجاد شده در این دو برهه زمانی را مورد بررسی قرارداد.

۱. یکی از این ابعاد در حوزه ازدواج و شرایط آن برای زنان در اجتماع است و به سبب نظام اجتماعی و طبقاتی جامعه ساسانی نوع ازدواج باعث مشخص شدن جایگاه زن در خانواده شوهر می‌گردد. که شامل پادشاه زن، چکرزن، ایو کین زن، سترزن و خودسرزن می‌شود. همچنین براین اساس جایگاه زنان نقش‌هایی که در خانواده همسر می‌پذیرفت نیز متفاوت بود. چنانچه گاه مثل پادشاه زن امورات خانه در دستش بود و گاه مثل چکرزن به کنیزی می‌رفت و همچون کنیزان در خانه شوهر زندگی می‌کرد. همچنین گاه علت برخی از این ازدواج‌ها به سبب داشتن یا نداشتن فرزند پسر بود مثل ایو کین که اگر مردی فرزند پسر نداشت دخترش را به عنوان ایو کین شوهر می‌دادند تا برای او فرزند پسر بیاورد. درحالی که در اسلام به خصوص تفکر شیعی تنها دو نوع ازدواج وجود دارد و آن هم ازدواج دائم و موقت است. در ازدواج دائم زن تمام شرایط و حقوق همسری را به صورت متقابل برخوردار است. اما در ازدواج موقت باتوجه به شرایطی که در بدو عقد گذاشته می‌شود، منعقد می‌گردد و زن از برخی حقوق همسری در ازدواج دائم برخوردار نیست، از جمله ارث، که از همسر موقت خود ارثی نخواهد برد، مگر اینکه در ضمن عقد شرط کند.

نکته‌ای که در مورد ازدواج موقت در اسلام قابل ذکر است شباهت کمی است که بین ازدواج موقت و چکرزن در عصر ساسانی است. اما بین ازدواج موقت در اسلام با ازدواج چکرزنی در آیین زرتشت تفاوت بزرگی وجود دارد و آن اینکه در چکرزنی، زن به عنوان کنیز خانه، محسوب می‌شود و حتی فرزندان او تحت شعاع عنوان مادر، هرگز به عنوان پادشاه زن ازدواج نخواهند کرد و حتی سالارخانه می‌تواند فرزندان چکر را بفروشد و به غلامی و کنیزی بدهد و یا از خانه بیرون کند. درحالی که در ازدواج موقت اسلامی، تنها برخی حقوق زن دائم شامل همسر موقت نمی‌شود و آن هم در صورت شرط ضمن عقد بر مرد واجب می‌گردد. فرزندان این ازدواج نیز در حکم فرزندان حقیقی مرد هستند و از پدرشان ارث خواهند برد. تفاوت دیگر نیز این است که در چکرزن، زن اختیاری ندارد. اما در عقد موقت، زن مختار است و می‌تواند بپذیرد و یا رد کند.

نکته دیگری که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که مسئله عبد و امه نیز در جامعه اسلامی مطرح بوده است و مادر برخی از امامان معصوم نیز از کنیزان بوده‌اند. گرچه اسلام، بنا به

دلایلی با برده‌داری رایج در جامعه آن عصر آشکارا مخالفت نورزید، اما با وضع برخی قوانین شرعی عملاً و به تدریج زمینه برچیده شدن برده‌داری را فراهم نمود، مانند قوانین مربوط به آزادی کنیز (ام ولد) و یا مکاتبه‌ای یا کفاراتی که در ابواب فقهی صوم و حج و ... برای آزادسازی بردگان وضع شده است.^۱

۲. برای اثبات میزان ارزش‌گذاری زن در ایران باستان می‌توان به یکی از سفارش‌های انوشیروان در مورد زنان اشاره کرد: از مرگ دختران و زنان اندوهگین نشوید.^۲ درحالی که در اسلام رسول گرامی ﷺ می‌فرماید: محبت و علاقه خود را به زنان نشان دهید و این ابراز علاقه، نشانه ایمان واقعی مردان است. همچنین در مورد دختران سفارش می‌کنند که اگر کسی سرپرستی سه دختر را برعهده بگیرد، بهشت بر او واجب می‌شود.^۳ لذا تفاوت دیدگاه نسبت به زن در این دو برهه زمانی به‌وضوح دیده می‌شود.

بنابراین براساس آنچه که در این پژوهش ذکر گردید زنان به عنوان عضوی از اجتماع کوچک خانواده و به عنوان عضوی از اجتماع بزرگتر جامعه، در دوره ساسانیان براساس متون دینی و عقاید اجتماعی از جایگاه چندان مناسبی برخوردار نبوده‌اند به‌خصوص از بُعد خانوادگی، در پایین‌ترین مقام، اگرچه در برابر فرزندان ذکور خانواده دارا بوده‌اند. البته از بُعد اشتغال به‌عنوان فردی درآمدزا برای خانواده و نیروی کار مورد توجه قرار می‌گرفته است. درحالی که زن در اندیشه اسلامی دارای جایگاه رفیعی است و سفارش‌های بسیاری در متون دینی نسبت به او در ابعاد زندگی اعم از اجتماعی و خانوادگی را شاهد هستیم. چنانچه بعد از ورود اسلام به ایران نیز به سبب تأثیر اندیشه‌های اسلامی و جایگاهی که زنان مسلمان نسبت به سایر ادیان داشتند، زنان ایرانی بخصوص زرتشتی، داوطلبانه حاضر به ازدواج با مردان مسلمان و عامل ترغیب خانواده‌هایشان به پذیرش اسلام بوده‌اند. اندیشه اسلامی ظرفیتی را ایجاد کرد که باعث ارتقاء جایگاه اجتماعی زن در بعد خانواده و عامل رفع تبعات این بحران که شامل انواع ازدواج در این برهه زمانی بوده است، گردید. بنابراین باتوجه به نوع نگرش در این دو اندیشه حاکم و بررسی تاریخی تفاوت‌های موجود در این دوران (دوره ساسانی و حضور اسلام) شاهد تغییر و تحول در جایگاه زن و صعود از سطح نازل به موقعیتی رفیع و اهتمام به مقام زن به‌ویژه مادر و توجه به نقش محوری او در خانواده هستیم.

۱. صاحب‌الجواهر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ج ۳۰، ص ۲۰۴.

۲. راوندی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۶، ص ۹۳.

۳. کلینی، *کافی*، ج ۶، ص ۱۰. «عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عَمِيرَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِثْنَتَيْنِ فَقَالَ وَإِثْنَتَيْنِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَوَاحِدَةً فَقَالَ وَوَاحِدَةً».

منابع و مأخذ

قرآن مجید.

۱. آزاد، حسن، *پشت پرده‌های حرمسرا*، ارومیه، نشر انزلی، ۱۳۶۴.
۲. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم، دار سیدالشهداء للنشر ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *ترجمه من لا یحضره الفقیه*، تهران، صدوق، ۱۳۶۷.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون الاخبار الرضا*، ج ۲، ترجمه روغنی قزوینی، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۹.
۵. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید القزوینی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۶. ارداویراف، ارداویراف‌نامه، *مجله مهر*، ترجمه رشید یاسمی، سال سوم.
۷. اوشیدری، جهانگیر، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.
۸. بارتلمه، کریستیان، *زن در حقوق ساسانی*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی مطائی، ۱۳۳۷.
۹. بروجردی، آقاحسین، *جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)*، تهران، نشر فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
۱۰. بلعمی، محمد بن یعقوب، *تاریخ بلعمی*، ج ۲، تهران، ۱۳۵۳.
۱۱. بیژن، اسدالله، *سیر تمدن و تربیت در ایران باستان*، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۰.
۱۲. بی‌نا، *اوستا*، ج ۲ - ۱، پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، ۱۳۷۱.
۱۳. بی‌نا، *شایست و ناشایست*، ترجمه کتایون مزدپور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹.
۱۴. حجازی، بنفشه، *زن تاریخ: جایگاه زن در ایران باستان*، تهران، قصیده‌سرا، ۱۳۸۵.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۲۰، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث. ۱۴۱۶ ق
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق
۱۷. دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی، *حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران*، تهران، میرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۸. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، نگاه، ۱۳۸۲.
۱۹. رضی، هاشم، *وندیداد*، ج ۱، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
۲۰. *روایت امید/شوهیستان*، ترجمه نرهد صفای اصفهانی، تهران، مرکز، ۱۳۷۶.

۲۱. *روایت پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، بی جا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۲۲. *رویدادنامه خوزستان*، ترجمه خداداد رضاخانی و سجاد امیری باوندپور، تهران، نشر حکمت سینا، ۱۳۹۵.
۲۳. زند، بهمن، یسن، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بی تا.
۲۴. ستاری، جلال، *سیمای زن در فرهنگ ایران*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی (للطوسی)*، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ مفید رضوان الله علیه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۷. عریان، سعید، *واهنمای کتیبه های ایرانی میانه پهلوی - پارتی*، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۲.
۲۸. علوی، هدایت الله، *زن در ایران باستان*، تهران، نشر هیرمند، ۱۳۷۸.
۲۹. علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، سایت کتابخانه مدرسه فقهت، بی تا.
۳۰. فاضل لنکرانی، محمدجواد، *آیین کبیری اسلام (شرح فارس تحویر الوسیله)*، ج ۱، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۹۰ ش، ۱۳۴۲ ق.
۳۱. فرخرو، پارسا، همای آهی و ملکه طالقانی، *زن در ایران باستان*، تهران، نشر جمعیت زنان دانشگاهی ایران، ۱۳۴۶.
۳۲. فرخزادان، آذرفرنبغ، *روایت آذرفرنبغ فرخزادان*، ترجمه حسن رضایی باغییدی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۳. فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه فردوسی*، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۹.
۳۴. القتیبی المصری، أحمد بن محمد بن أبی بکر بن عبدالملک القسطلانی، مصر، *ارشاد الساری لشرح صحیح بخاری*، ج ۸، المطبعة الكبرى الأمیریة، ۱۳۲۳ ه ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. کیخسرو، شاهرخ، *آئینه آئین مزدیسنی*، ج ۳، بی جا، نشر آفتاب، ۱۳۳۷.
۳۷. کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، صدای مزار، ۱۳۸۵.
۳۸. لوکونین، و. گ، *تمدن ایران ساسانی (ایران در سده های سوم تا پنجم میلادی)*، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

تأثیر اندیشه اسلامی در جایگاه خانوادگی زن ایرانی نسبت به عصر ساسانی □ ۸۵

۳۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی)*، تهران، المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۲ ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، بیروت، نشر دار الاحیاء التراث الاسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۴۱. مزداپور، کتابیون، *زن در آیین زرتشتی*، آلمان، نشر نوید، ۱۳۷۱.
۴۲. مظاهری، علی اکبر، *خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام*، تهران، نشره قطره، ۱۳۷۷.
۴۳. *نامه تنسیر به گشنسپ*، ترجمه مجتبی مینوی و محمد اسماعیل رضوانی، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۰۴.
۴۴. نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*، قم، نشر موسسه آل بیت علیهم السلام.
- ۱۴۰۸ ق.
۴۵. هرمز دیار، داراب، *روایت داراب هرمز دیار*، ج ۱، بی جا، بی نا، بی تا.

Dhabhar, Ervad Bamanji Nasarvanji, 1909, *Saddar Nasr & Saddar Bundelesh*, Bombay, The Trustees of the Parsee Punchayet Funds & Properties, 29

